

## عنوان مقاله:

بررسی تاثیر فرهنگ خانواده ها بر آمار طلاق

## محل انتشار:

چهارمین همایش ملی علمی، پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسندگان:

رضا سالاری - کارشناس حقوق

مصیب بزی الری - کارشناس ارشد حقوق وکیل و مشاور حقوقی دادگستری

تکنم سالاری - کارشناس حقوق

## خلاصه مقاله:

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر ذهن اکثر اندیشمندان و حتی عموم را به خود مشغول کرده است مساله طلاق می باشد. در حال حاضر این پدیده در ایران به شکل یک مساله و معضل اجتماعی مشکلات زیادی را برای افراد و خانواده های در معرض طلاق به وجود آورده است. هدف این مقاله بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق مطالعه موردی شهرستا زابل می باشد. چارچوب نظری این پژوهش با توجه به تحقیقات پیشین و مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفته است. ترکیبی از نظریه های جامعه شناسی خانواده و انحرافات اجتماعی می باشد که از نظریه های مبادله، توسعه خانواده نظام ها، نقش ها و نظریه شبکه ای در قسمت نظریه های جامعه شناسی خانواده و از نظریه های دورکیم و مرتن در قسمت انحرافات اجتماعی استفاده شده است. روش تحقیق مورد استفاده روش پیمایشی می باشد و تکنیک و ابزار مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه همراه با مصاحبه حضوری بوده است. در این تحقیق اطلاعات موردنظر از کل افرادی که در شش ماهه دوم سال 1380 طلاق داده یا به دادگستری مراجعه کرده و دادخواست طلاق داده بودند جمع آوری شد که کل این افراد 150 نفر می باشد که 115 نفر از آن ها زن و 35 نفر دیگر مرد می باشند متغیر وابسته تحقیق میزان گرایش به طلاق می باشد که به صورت یک طیف در پرسشنامه آمده است تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد ابتدا در قسمت آمار توصیفی، ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان توصیفی و تشریح شده است و در قسمت آمار استنباطی با توجه به سطح ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان توصیف و تشریح شده است و در قسمت آمار در استنباطی با توجه به سطح اندازه گیری متغیرهای مستقل که 20 متغیر می باشد از رگرسیون دو متغیره، چند متغیره تحلیل واریانس، آزمون تی T- test و آزمون اف F- test استفاده شده است. نتایج بدست آمده از تحقیق نشان می دهند که: در تحلیل رگرسیون دو متغیره، متغیره اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج زن با گرایش به طلاق زنان رابطه معنادار و مستقیمی دارند و متغیرهای میزان شناخت همسر قبل از ازدواج، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان و مدت شناخت همسر قبل از ازدواج با گرایش به طلاق زنان رابطه معنادار و معکوس دارند. همچنین متغیرهای مدت شناخت و میزان شناخت همسر قبل از ازدواج با گرایش مردان به طلاق رابطه معنادار و معکوس دارند. در بررسی تفاوت میانگین ها، تفاوت معناداری بین میانگین گرایش به طلاق زنان برحسب، رابطه خویشاوندی با همسر، محل تولد زن، چند زنی بودن همسر، علت اصلی طلاق و شیوه آشنایی دیده می شود. و برای مردان فقط رابطه خویشاوندی معنادار می باشد. در تحلیل رگرسیون چند متغیره، در معادله پیش بینی گرایش به طلاق زنان متغیرهای مدت شناخت، اختلاف سن و مدت زندگی مشترک توانستند 64 درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی کنند و در معادله پیش بینی گرایش به طلاق مردان سه متغیر مدت شناخت، اختلاف سن و تعداد فرزندان توانستند 77 درصد از تغییرات را پیش بینی کنند.

## کلمات کلیدی:

فرهنگ خانواده، طلاق، ازدواج

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

